

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من میباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن میباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید "غزل" غنی زاده
ویرجنیا - ۱۴ آگست ۲۰۱۴

غروب اندوه

یک روز به فکر این که همیشه با من خواهی بود، ترا بتی از بهر پرستش
تصور کردم؛ صادقانه ترین احساسم را با بیان الفاظ پرمهر به پیشگاهت
معترف شدم؛ و والاترین نیایشهایم را بر زبان راندم و امیدهایم را طلب کردم.
جهانی را که جز دره سرد و سیاه نمیدیدم، با دیدگان روشن عشق و محبت
نگریستم.

به تصور این که تو همیشه مهربان خواهی ماند، غرورم را که پربهاترین
گوهر هستم بود به پای تو شکستم و ریختم.

از میلاد شقایقهای روحنواز نشاط ناآگاه ماندم و در اندیشه های تو محو و ناپیدا
گشتم.

به تصور این که در طلوع دیدار تو غروب اندوهم مستور میگردد، ترا
پرستیدم و هنوز هم میپرستم.

اما ای دریغ!

مهر من در قلب تو همچو دود در آغوش آتش است، که سوی فنا میرود!!!

(ناهید "غزل" غنی زاده - ۱۸ عقرب ۱۳۶۰)